

مفهوم ولایت در تفسیر المیزان

یتیمی که ((عنایت خدایی)) دامنگیرش شد و سرافرازش کرد ...



یتیمی که ((عنایت خدایی)) دامنگیرش شد و سرافرازش کرد

"انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا..."

راغب در کتاب مفردات گفته است "ولاء" (به صدای بالای واو) و همچنین "توالی" به این معنا است که حاصل شود دو چیز یا بیشتر، از يك جنس و بدون اینکه چیزی از غیر آن جنس، حایل شود. این معنای لغوی ولاء و توالی است، و گاهی این لفظ به طور استعاره و مجاز در قربی استعمال می‌شود که آن قرب از جهات زیر حاصل می‌گردد.

1 - قربی که از جهت مکان حاصل می‌شود و گفته می‌شود: "جلست مما یلیه - نشستیم نزدیکش".
2 - قرب از جهت نسبت.

3 - قرب از جهت دوستی و گفته می‌شود: "ولی فلان - دوست فلانی".

4 - قرب حاصل از نصرت و گفته می‌شود: "ولی فلانا - یاری کرد فلان را".

5 - از جهت اعتقاد. گفته می‌شود: "فلان ولی فلان - هم عقیده و هم سوگند اوست". و در معنای نصرت بطور حقیقت اطلاق می‌شود و همچنین در معنای مباشرت در کار و اختیار داری در آن، و گفته می‌شود: "فلان ولی لامر کذا - فلانی اختیار دار فلان کار است" و بعضی از اهل لغت گفته‌اند: ولایت (به صدای پائین واو) و ولایت (به صدای بالای آن) به يك معنا است، مانند دلالت و دلالت که هر دو به يك معنا است، و حقیقت ولایت عبارتست از به عهده گرفتن کار، و منصوب شدن بر آن و "ولی" و "مولی" هر دو استعمال می‌شوند در این معنا، البته هم در معنای اسم فاعل آن، یعنی موالی (به کسر لام) و هم در معنای اسم مفعول آن یعنی موالی (به فتح لام) و به مؤمن گفته می‌شود ولی الله و لیکن دیده نشده که بگویند مؤمن مولای خداست، لیکن هم گفته می‌شود "الله ولی المؤمنین" و هم "الله مولا المؤمنین" و نیز راغب می‌گوید: اگر عرب گفت: "ولی" اگر دیدی که خود بخود و بدون لفظ "عن" متعدی شد، بدانکه اقتضای معنای ولایت را دارد و مقتضی است که آن معنا در نزدیک‌ترین مواضعش حاصل شود، مثلاً اگر دیدید کسی گفت: "ولیت سمعی کذا" یا گفت "ولیت عینی کذا" یا گفت "ولیت وجهی کذا" بدانکه مراد اینست که گوش خود یا چشم خود یا روی خود را نزدیک فلانی بردم، کما اینکه در قرآن هم بدون لفظ "عن" استعمال شده، می‌فرماید: "فلنولینک قبله ترضیها" (1) و نیز می‌فرماید: "فول وجهک شطر المسجد الحرام و حیث ماکنتم فاولوا ووجهکم شطره" (2) و اگر دیدی که با "عن" چه در ظاهر و چه در تقدیر متعدی شد بدان که اقتضای معنای اعراض و ترک نزدیکی را دارد. (3)

و ظاهراً نزدیکی کذائی که ولایت نامیده می‌شود اولین بار در نزدیکی زمانی و مکانی اجسام به کار برده شده آنگاه به طور استعاره در نزدیکی‌های معنوی استعمال شده است. پس ظاهراً گفتار راغب در کتاب مفردات عکس حقیقت و غیر صحیح بنظر می‌رسد، زیرا بحث در احوالات انسان های اولی این را به دست می‌دهد که نظر بشر نخست به منظور محسوسات بوده و اشتغال به امر محسوسات در زندگی بشر مقدم بر تفکر در متصورات و معانی و انحای اعتبارات و تصرف در آنها بوده است، بنابراین اگر ولایت را که قرب مخصوصی است در امور معنوی فرض کنیم لازم‌ه‌اش اینست که برای ولی قربی باشد که برای او نیست مگر به واسطه او، پس هرچه از شؤون زندگی مولی علیه که قابل این هست که به دیگری واگذار شود تنها ولی می‌تواند آنرا عهده دار شده و جای او را بگیرد. مانند ولی میت که او نیز همین طور است، یعنی همان طوری که میت قبل از مرگش می‌توانست به ملاک مالکیت انواع تصرفات را در اموال خود بکند ولی او در حال مرگ او می‌تواند به ملاک وراثت آن تصرفات را بکند، و همچنین ولی صغیر با ولایتی که دارد می‌تواند در شؤون مالی صغیر اعمال تدبیر بکند و همچنین ولی نصرت که می‌تواند در امور منصور از جهت تقویتش در دفاع تصرف کند و همچنین خدای تعالی که ولی بندگانست و امور دنیا و آخرت آنها را تدبیر می‌نماید، و در این کار جز او کسی ولایت ندارد، تنها اوست ولی مؤمنین در تدبیر امر دینشان به اینکه وسائل هدایتشان را فراهم آورد و داعیان دینی به سوی آنان بفرستد و توفیق و یاری خود را شامل حالشان کند، و پیغمبران هم ولی مؤمنینند.

مثلاً رسول الله (صلي الله عليه و آله) ولی مؤمنین است، چون دارای منصبی است از طرف پروردگار، و آن اینست که در بین مؤمنین حکومت و له و علیه آنها قضاوت می‌نماید، و همچنین است حکامی که آن جناب و یا جانشین او برای شهرها معلوم می‌کنند زیرا آنها نیز دارای این ولایت هستند که در بین مردم تا حدود اختیاراتشان حکومت کنند، و خواننده خود قیاس و حلف و طلاق و پسر عم (6) و محبت و ولایت عهدی و همچنین بقیه معانی آنرا، و اما ولایتی که در آیه: "یولون الادبار" است به معنای پشت کردن یعنی به جای اینکه روی خود جانب دشمن کنند و سنگر وجهه جنگ را اداره و تدبیر نمایند، پشت خود بدان کرده پا به فرار می‌گذارند و همچنین

است "تولیتیم" یعنی اعراض کردید و خود را به جهتی که مخالف جهت آنست قرار دادید یا روی خود را جهت مخالف آن برگردانیدید.
منبع: ترجمه تفسیر المیزان جلد ششم صفحه 13 علامه طباطبایی رضوان الله تعالی علیه
پی نوشتها :

- (1) پس بزودی تو را بسوی قبله‌ای که خوش آیندت باشد بر خواهیم گرداند.
- (2) پس بگردان روی خود را بسوی بخشی از مسجد الحرام، و هر جا که بودید باید روی خود به‌جانب آن برگردانید. سوره بقره آیه 14.
- (3) مفردات راغب ص 534 - 533.
- (4) کسی که بنده خود را آزاد کند و از جزیه او تبری نجوید با شروط دیگری که در فقه مضبوط است از آن بنده ارث می‌برد: این سببیت ارث را (ولاء عتق) گویند.
- (5) یکی از معانی مولا همسایه و (جوار) است.
- (6) نسبت پسر عمه را ولاء و پسر عمو را مولی گویند.